



# دستاوردها و چالش‌ها در انتخابات ریاست جمهوری لبنان

دکتر وحیده احمدی \*

## اشاره:

پس از دو سال و نیم، سرانجام پارلمان لبنان برای انتخاب میشل عون به تفاهم رسید و وی با ۸۳ رأی به عنوان سیزدهمین رئیس جمهور لبنان در کاخ بعیدا مستقر شد. وی که به عنوان گزینه مورد نظر حزب الله این سمت را به دست گرفت، سعد حریری رئیس فراکسیون مستقبل را به عنوان نخست‌وزیر مکلف معرفی کرد. موافقت حزب الله با نخست‌وزیری حریری که پیش‌تر به گزینه حزب الله رأی داده بود، نشان داد که گروه‌ها و جریان‌های لبنان تلاش دارند تا حیات سیاسی این کشور را از بن‌بست موجود خارج کرده و برای تشکیل دولتی باثبات در لبنان همسو با یکدیگر شوند. این نوشتار تلاش دارد تا ابعاد مهم انتخاب رئیس جمهور جدید لبنان، نقش گروه‌ها و فراکسیون‌های مهم سیاسی و همچنین موانع و چالش‌های موجود برای اهداف مدنظر را تبیین نماید.

## مقدمه

لبنان در ماه گذشته، یکی از تحولات مهم سیاسی خود را پشت سر گذاشت. پس از گذشت دو سال و نیم از خالی‌بودن پست ریاست جمهوری در این کشور، میشل عون از سوی مجلس نمایندگان این کشور راهی کاخ بعیدا شد و خلاء قدرت به صورت رسمی به پایان رسید. رئیس فراکسیون تغییر و اصلاح در شرایطی توانست اجماع جریان‌های مختلف لبنان را به دست آورد که فضای سیاسی این کشور بر خلاف این فترت دو ساله، به سوی سازماندهی اقتدار جدید تمایل نشان می‌داد. اختلاف‌ها و شکاف‌های داخلی جریان‌های سیاسی که پس از اتمام دوره میشل سلیمان رئیس جمهور سابق در سال ۲۰۱۴، امکان انتخاب رئیس جمهور را سد کرده بود، به تدریج به سمت همگرایی نسبی برای انتخاب رئیس جمهور جدید سوق پیدا کرد. ضرورت سازماندهی جدید

نیروهای سیاسی، نیاز به تشکیل کابینه جدید و در مجموع تقویت ساختار سیاسی لبنان، در بستر اوضاع ناآرام منطقه و همسایگان این کشور، از مهمترین دلایلی بود که این همگرایی را ضروری ساخته بود. ضمن آنکه چشم‌انداز دستیابی به قدرت بیشتر و مستحکم‌تر برای جریان‌های مختلف سیاسی در سایه ثبات در ساختار حکومت، معنا پیدا می‌کرد؛ موضوعی که به نظر می‌آید حتی جریان ۱۴ مارس را نیز ناگزیر به همراهی با گروه‌ها و جریان‌های دیگر نمود. حمایت قاطع حزب الله از میشل عون، که در مواضع مختلف سید حسن نصرالله، بارها مورد تأکید قرار گرفت و در فراکسیون پارلمانی آن یعنی وفاداری به مقاومت، در عمل متجلی شد، در بعد داخلی رویدادی قابل ملاحظه در ساختار سیاسی لبنان بود. در این میان، همسویی فراکسیون مستقبل سعد حریری که همواره مورد حمایت عربستان، بوده است و به نوعی نماینده ملاحظات و سیاست‌های ریاض شناخته می‌شود با انتخاب فرد مورد نظر حزب الله، این فرضیه را در اذهان به وجود آورد که تشکیل دولت در لبنان، حاصل تفاهم بازیگران مهم منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان بوده است. با توجه به ابعاد مهم انتخابات ریاست جمهوری لبنان، نوشتار حاضر تلاش دارد تا با توصیف جامع رویدادها و تبیین بسترها و زمینه‌های این رویداد، چشم‌انداز قابل قبولی از تحولات سیاسی آینده این کشور ارائه دهد.

\* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی



## بی‌ثباتی در ساختار سیاسی لبنان

اگرچه انتخابات ریاست جمهوری به عنوان یک رویداد سیاسی طبیعی در کشورهای دیگر در دوره‌های متوالی به صورت منظم، صورت می‌گیرد اما برای جامعه سیاسی موزائیکی لبنان که صحنه هم‌آوردی فرقه‌ها و جریان‌های مختلف با رویکردهای متفاوت است، امری دشوار و خطیر به شمار می‌آید. در توافقنامه طائف که در سال ۱۹۸۹ پس از ۱۵ سال جنگ داخلی (۱۹۷۵-۱۹۹۰)، توسط گروه‌ها و فرقه‌های مختلف لبنان به امضاء رسید، با هدف کاستن از تقابل‌های فرسایشی و بی‌ثباتی‌های داخلی، تلاش شد سهمیه‌بندی عادلانه فرقه‌ای و طایفه‌ای در مناصب و نهادهای سیاسی کشور انجام شود. بر این اساس مناصب ریاست جمهوری، نخست‌وزیری، رئیس مجلس، معاونین مجلس و نخست‌وزیر میان فرقه‌ها و طوائف مسلمان و مسیحی لبنان تقسیم شد. با این حال، این توافق در عمل انجام نشد به گونه‌ای که بن‌بست سیاسی لبنان که در نبود توافق فرقه‌ها و فراکسیون‌های مختلف برای انتخاب شخص رئیس جمهور، نخست‌وزیر و نیز تشکیل کابینه ائتلافی روی می‌دهد، تبدیل به تجربه‌ی آشنایی برای ساختار سیاسی لبنان شده است.

تا پیش از انتخاب میشل عون به عنوان رئیس جمهور در ماه گذشته، میشل سلیمان رئیس جمهور سابق لبنان پس از چندین ماه فترت ریاست جمهوری که پس از پایان دوره امیل لحود، پیش آمده و کشور را تا آستانه جنگ داخلی به پیش برده بود، موفق به کسب اجماع گروه‌های مختلف شد؛ اجماعی که در پی توافق در دوحه قطر، به وجود آمده بود. تشکیل دولت وحدت ملی، اعطای حق و تو به جریان اقلیت به رهبری حزب الله، ممنوعیت استفاده از سلاح در درگیری‌های داخلی، تقسیم کشور به حوزه‌های انتخاباتی کوچکتر سایر مفاد توافقنامه دوحه بود که انتظار می‌رفت با توجه به تفاهم تمام گروه‌ها، ثبات بیشتری را برای ساختار سیاسی لبنان رقم بزند.

سلیمان در سال ۲۰۰۸، با توافق تمام گروه‌ها و جریان‌های رقیب در جریان رأی پارلمان با میزبانی هیئت‌های مختلفی از کشورهای عربی، غربی و نیز ایران و ترکیه انتخاب شد. اگرچه همه جریان‌ها میشل سلیمان را به دلیل بی‌طرفی و دورنگاه‌داشتن ارتش در بحران‌های سیاسی، شخصی سزاوار و متحدکننده برای لبنان می‌دانستند، با این حال در دوره وی تعارض‌ها و تقابل‌های سیاسی در قالب انتخاب نخست‌وزیر و کابینه ائتلافی بارها خود را نشان داد. سعد حریری که در پی این توافق، پس از سه سال نخست‌وزیری پر حاشیه فواد سینیوره، جای وی را گرفته بود توانست بیشتر از دو سال دوام آورد و سیاست‌های وی مورد مخالفت

جریان‌های دیگر از جمله حزب الله قرار گرفت. استعفای ۱۰ وزیر از جریان ۸ مارس و یک وزیر مستقل از دولت حریری منجر به سقوط کابینه در سال ۲۰۱۱ و آشفتگی دوباره در فضای سیاسی لبنان شد. پس از انحلال کابینه نجیب میقاتی در پی استعفای وی در سال ۲۰۱۴ به دلیل بن‌بست سیاسی کابینه و نبود توافق بر برخی موضوعات از جمله انتخابات پارلمانی، تمام سلام مأمور تشکیل کابینه شد. اگرچه سلام نیز همچون میشل سلیمان از اجماع حداکثری، گروه‌ها برخوردار بود اما تشکیل کابینه ائتلافی جدید در حدود ده ماه به طول انجامید؛ وقته‌ای که نشان از نبود حداقل همگرایی لازم در میان گروه‌های مختلف سیاسی در لبنان داشت. ائتلاف سیاسی حزب الله موسوم به ۸ مارس و ائتلاف ۱۴ مارس به رهبری سعد حریری که پس از صف‌آرایی نیروهای سیاسی در مورد دادگاه رفیق حریری و حضور نیروهای سوری در لبنان، در مقابل هم تشکیل شدند و صحنه سیاسی این کشور را در دست دارند، دو شاخه اصلی و اپوزیسیون کابینه وی را تشکیل دادند. این در حالی بود که در می ۲۰۱۴، دوره شش ساله ریاست جمهوری میشل سلیمان به پایان رسیده بود اما اراده سیاسی برای انتخاب شخص جدید از سوی جریان‌های سیاسی در پایین‌ترین نقطه ممکن قرار داشت. ضمن آنکه نبود تفاهم بر سر قانون انتخابات لبنان موجب شده است پارلمان کنونی این کشور تا کنون دوباره دوره مسئولیت خود را تمدید کند.

## انتخاب میشل عون؛ مواضع و واکنش‌ها

فراکسیون‌های مختلف پارلمان لبنان سرانجام پس از دو سال و نیم از پایان ریاست جمهوری میشل سلیمان، میشل عون ۸۱ ساله را رهسپار کاخ بعدا کردند. بدین



ترتیب در ۳۱ نوامبر (۱۰ آبان)، میشل عون رهبر گروه مسیحی «جریان آزاد ملی لبنان» بزرگترین حزب سیاسی مسیحیان لبنان و رئیس فراکسیون تغییر و اصلاح، به عنوان رئیس جمهور این کشور انتخاب شد.

بسیاری از کشورها از جمله آمریکا، فرانسه، روسیه، ایران، عربستان، مصر، قطر، ترکیه و... انتخاب عون را به وی تبریک گفتند. وزیر امور خارجه کشورمان نیز در سفر به لبنان با میشل عون دیدار کرد و ضمن ابراز خرسندی از این انتخاب، موفقیت لبنانی‌ها در انتخاب رئیس جمهور جدید این کشور را پیروزی و دستاورد تمام مردم لبنان خواند. وی همچنین رژیم صهیونیستی و نیروهای تکفیری را دو تهدید مشترک ایران و لبنان دانست و بر هماهنگی کشورها برای مقابله با آنها تأکید کرد. قدردانی میشل عون از مواضع ایران در تحکیم ثبات و امنیت لبنان و ضرورت توسعه روابط دو کشور در زمینه‌های مختلف، نشان از آمادگی رئیس جمهور جدید لبنان برای همسویی در سیاست‌ها و برنامه‌های آتی دو کشور داشت. در این میان منصور عزام و هیئت‌به‌نماینده‌گی از بشار اسد، به دیدار رئیس جمهور لبنان رفت و تبریک اسد را حضوری به میشل عون ابلاغ کرد. عون نیز در این دیدار بر عمق روابط سوریه و لبنان و همچنین روابط خود با بشار اسد تأکید کرد؛ دیداری که بر خلاف معمول، مخالفت سعد حریری و جنبش ۱۴ مارس را به دنبال نداشت.

در مقابل موج تبریک کشورهای منطقه‌ای برای انتخاب رئیس جمهور جدید لبنان، رژیم صهیونیستی انتخاب میشل عون به ریاست جمهوری را «گزینه بد» برای اسرائیل دانسته بود زیرا «در صورت انتخاب عون، سیاست خارجی وی به نخست‌وزیر دیکته می‌شود؛ مسئله‌ای که برای اسرائیل

در دسرساز خواهد شد؛ در مقابل ایران خرسند از این رویداد، جای پای خود را در لبنان محکم خواهد کرد، در حالی که هیچ کس به دنبال خلع سلاح حزب‌الله نخواهد بود؛ عربستان نیز باید خشمگینانه تحولات را نظاره کند». از نظر تحلیل‌گران اسرائیلی «شکست سعد حریری در انتخاب نامزد مورد نظر خود برای ریاست جمهوری و همسویی با گزینه حزب‌الله یعنی میشل عون، حاکی از نبود نفوذ عربستان در لبنان است». به نظر می‌رسد تحلیل رژیم صهیونیستی در مورد موضع عربستان را نمی‌توان کاملاً منطبق با واقعیت موجود دانست زیرا احتمال موافقت ریاض با تحولات داخلی لبنان، از چشم تحلیل‌گران اسرائیلی به دور مانده است. به نظر می‌رسد ریاض، نخست‌وزیری سعد حریری را وجهه‌ای از موازنه قدرت در مقابل جمهوری اسلامی ایران در صحنه سیاسی لبنان می‌داند. تبریک سلمان بن عبدالعزیز پادشاه عربستان به میشل عون حاکی از فضای امیدوارانه ریاض برای پیشبرد موفقیت‌آمیز این موازنه قدرت به شمار می‌آید. این در حالی است که مواضع میشل عون با توجه به تأکید وی بر مبارزه با اسرائیل برای بازپس‌گیری باقیمانده اراضی اشغالی توسط رژیم صهیونیستی، تقابل با گروه‌های تروریستی شامل اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده و حمایت از کشور در مقابل دشمن در مراسم سوگند ریاست جمهوری، در عمل بر سایر پیش‌بینی‌های روزنامه اسرائیلی صحه گذارد. روزنامه اسرائیلی جی‌پست در این باره می‌نویسد: «عون در سخنرانی خود بر بازپس‌گیری اراضی اشغالی که منظور امتداد مرزهای لبنان با دولت یهودی است و نیز مبارزه در مقابل ترور، تأکید کرد؛ در حالی که متعهد به ادامه حمایت‌ها از بشار اسد است... انتخاب عون یک پیروزی آشکار برای ایران در شام است... آنچه بدیهی است اینکه لبنان با سایر کشورهای عربی برای محکومیت ایران اقدام نخواهد کرد زیرا نفوذ حزب‌الله و متحدانش در این کشور قوی است». تأکید میشل عون بر «تقویت ارتش لبنان و نیز افزایش حجم کمک‌های نظامی برای انجام مأموریت‌هایی که ارتش لبنان در داخل و مرزها بر دوش دارد»، در تماس تلفنی با جان کری وزیر امور خارجه آمریکا نشان می‌دهد که عون نه تنها در مواضع لفظی بلکه در برنامه‌های عملی آتی خود نیز همسو با سیاست‌های حزب‌الله مبنی بر مقابله نظامی با جریان‌های تکفیری و معارض، پیش خواهد رفت.

**نقش حزب‌الله در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ لبنان**  
برگزاری موفق انتخابات ریاست جمهوری برای لبنان یک پیروزی در حیات سیاسی لبنان تلقی می‌شود زیرا توانست بر بی‌نظمی موجود در ساختار سیاسی این کشور فائق آید. با این حال انتخاب میشل عون



به ریاست جمهوری، به شکستن بن بست انتخاب ریاست جمهوری در لبنان محدود نبود؛ حمایت حزب الله به عنوان یکی از نیروهای تأثیرگذار در حیات سیاسی این کشور، انتخابات اخیر را از جایگاه خاصی برخوردار کرد. حمایت قاطع حزب الله از میشل عون، که در مواضع مختلف سید حسن نصرالله، بارها مورد تأکید قرار گرفت و در فراکسیون پارلمانی آن یعنی وفاداری به مقاومت، در عمل متجلی شد، در بعد داخلی رویدادی قابل ملاحظه در ساختار سیاسی لبنان بود. علاوه بر حمایت قاطعانه، رایزنی موفق با سعد حریری که توافق وی با گزینه مورد نظر حزب الله را به رغم مخالفت برخی از هم‌فراکسیون‌های وی در پی داشت، موافقت با نخست‌وزیری سعد حریری و همچنین جلب رضایت فراکسیون امل و رهبر آن نبیه بری رئیس فعلی پارلمان برای اینکه با وجود مخالفت با گزینه میشل عون در روز رأی‌گیری در پارلمان حضور داشته و حد نصاب پارلمان را حفظ نمایند، نشان از اراده سیاسی حزب الله برای تثبیت وضعیت آشفته سیاسی لبنان داشت. سخنان سید حسن نصرالله پس از موافقت حریری با گزینه میشل عون، در جریان سخنرانی خود در یادبود یکی از شهدای مقاومت، بر این امر تأکید داشت که در حال حاضر ثبات و آرامش فضای سیاسی لبنان برای حزب الله در اولویت قرار دارد. وی در این سخنان تأکید کرد: «هر موضوع اختلافی را می‌توان از طریق گفتگو حل کرد و به توافق رسید و به هم نزدیک شد، اختلافات در همه تحولات جدید سیاسی موجود، به طور قطع از طریق گفتگو قابل حل است... برای ما مسئله انتخاب رئیس جمهور مهم است ما به دنبال انتخاب رئیس جمهور هستیم. ما صادقانه به دنبال آن هستیم که آن نامزدی که از روز اول از وی حمایت کرده‌ایم به کاخ بعداً راه پیدا کند. این واقعیت موضع ماست... ما با اعلام اینکه مانع انتخاب سعد الحریری به عنوان نخست‌وزیر نمی‌شویم امروز فداکاری بسیار بزرگی کرده‌ایم». تأکید دبیر کل حزب الله بر حل اختلافات در قالب گفتگو و تساهل در حالی بود که پیش از این نیز حزب الله با حزب مستقبل گفتگوهای دوجانبه خود را تحت نظارت رئیس پارلمان لبنان برای کاهش تنش‌های مذهبی به پیش می‌برد.

انتخاب شخصی که مورد حمایت حزب الله قرار داشت به رغم مخالفت جنبش امل دیگر فراکسیون شیعی مهم در لبنان و نیز جنبش ۱۴ مارس به ریاست سعد حریری که در مواضع خود از نامزدی سلیمان فرنجه رئیس جریان «المرده»، حمایت می‌کردند، به دلایل زیر مورد توجه قرار گرفت:

نخست؛ هوشمندی حزب الله در انتخاب فردی که بتواند اجماع جریان‌های مختلف را به دست آورد و نیز رایزنی‌های نتیجه‌بخش با

مخالفان خود به گونه‌ای که سعد حریری رئیس جریان ۱۴ مارس را نیز همسو با انتخاب خود نمود، نشان از قدرت چانه‌زنی و نیز وجود یک نقشه راه تقریباً شفاف برای ترسیم گام‌های آینده در سیاست لبنان بود. این در حالی است که حزب الله، بده‌بستان‌های سیاسی خود را با حفظ مواضع خود هم در مقابل متحدان و هم در برابر مخالفان حفظ کرد. تأکید دبیر کل حزب الله در مورد تداوم حمایت از میشل عون به رغم مخالفت متحد خود، نبیه بری رئیس جنبش امل و همچنین تأکید بر اینکه موافقت با انتخاب سعد حریری به عنوان نخست‌وزیر نافی مخالفت‌های احتمالی با سیاست‌های وی نخواهد بود، از سویی اعتماد سایر گروه‌های سیاسی را به تصمیم حزب الله ارتقا داد و از سوی دیگر بر تصمیمات و رویکردهای مستقل حزب الله در عرصه سیاسی همانند عرصه نظامی صحه گذارد. ضمن اینکه انتخاب میشل عون به عنوان فرد مورد حمایت حزب الله، نشان از جایگاه قابل ملاحظه این جریان در نظام سیاسی لبنان داشت؛ مسئله‌ای که از نگاه بازیگران فرامنطقه‌ای و نیز منطقه‌ای دور نخواهد ماند.

دوم؛ توافق ناگهانی فراکسیون مستقبل و فراکسیون وفاداری به مقاومت، برای ریاست جمهوری میشل عون به عنوان گزینه مورد نظر حزب الله، فرضیه‌های مختلفی را مبنی بر وجود یک توافق منطقه‌ای مطرح کرد. همسویی فراکسیون مستقبل سعد حریری که همواره مورد حمایت عربستان، بوده است و به نوعی نماینده ملاحظات و سیاست‌های ریاض شناخته می‌شود با انتخاب فرد مورد نظر حزب الله، این فرضیه را در اذهان به وجود آورد که تشکیل دولت در لبنان، حاصل تفاهم بازیگران مهم



چگونگی مقابله با مسائل منطقه‌ای، از جمله موارد دیگری است که بعید به نظر می‌رسد برای ائتلاف لرزان کنونی، مشکل ساز ظاهر نشود.

در حال حاضر تشکیل کابینه از سوی نخست‌وزیر مکلف، در جریان است. حریری تا کنون دو بار برای مشورت در مورد چپش وزرا با میشل عون دیدار کرده است و اخبار حاکی از آن است که ۷۰ درصد وزرا انتخاب شده‌اند. اگرچه وی اعلام کرده است که وزرا را بر اساس وفاق ملی خواهد چید و کابینه خود را قبل از روز استقلال در ۲۲ نوامبر برای رأی اعتماد معرفی خواهد کرد اما چالش‌های قابل ملاحظه همچنان پابرجا است. طبق برخی اخبار منتشر شده در مورد مخالفت با اعطای وزارت‌های کلیدی دفاع و خارجه به حزب «نیروهای لبنانی» و توی احتمالی آن از سوی حزب الله نشان‌دهنده تداوم تقابل در میان گروه‌ها است. در مقابل حزب نیروهای لبنانی نیز برخی احزاب را متهم به ممانعت از حضور مسیحی‌ها در دولت جدید کرد و خواستار اعطای یک وزارت کلیدی در دولت شده‌اند. همچنین روزنامه دیلی استار چاپ لبنان، از مذاکرات نیبه بری با حریری در مورد لزوم مشارکت دو حزب حزب الله و امل در دولت جدید خبر داده است. با وجود مسائل مذکور، نیبه بری رئیس پارلمان لبنان، برای تشکیل کابینه در موعد مقرر، به‌رغم «برخی مسائل مرتبط به هم که سر بر آورده» اظهار امیدواری کرده است. مشکلات تشکیل کابینه ائتلافی، بخشی از مسئله‌ای است که حتی در صورت تشکیل موفق دولت در موعد مقرر، همچنان گریبان‌گیر میشل عون و نیز سعد حریری خواهد بود؛ پیش‌تر تعهدات در قبال طرف‌هایی که توافق کنونی بر اساس تفاهم و رضایت آنها ایجاد شده است، مهمترین مسئله فراروی دولت پیش روی لبنان است. مسائل بسیاری از جمله اینکه میشل عون بتواند به‌رغم مخالفت‌های جریان ۱۴ مارس، همچنان از فعالیت‌ها نظامی حزب‌الله در سوریه حمایت کند؛ سعد حریری موفق شود وزارت‌ها را به صورت رضایت‌بخش میان گروه‌ها تقسیم کند و با توی حزب‌الله و یا تهدید خروج از دولت از سوی برخی فراکسیون‌های دیگر مواجه نشود و مهم‌تر از آن تفاهم سعد حریری و میشل عون بر روی مواضع کلیدی بتواند دوام آورد، از جمله مواعی است که دولت پایدار لبنان را با مشکل مواجه خواهد کرد. بیانیه وزارتی و تأکید بر مسائل و خطوط قرمز حزب الله از یک سو و جلب رضایت گروه‌های مخالف حضور در سوریه از سوی دیگر و همچنین حفظ تعادل سیاست‌های سعد حریری برای منحرف نشدن به سوی

منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان بوده است. اگرچه طرح مسائلی از قبیل اینکه لبنان در حال حاضر برای عربستان در اولویت نبوده و نیز حمایت‌های این کشور از مهره خود یعنی حریری در حال حاضر در پایین‌ترین حد خود قرار دارد، در برخی تحلیل‌ها بازتاب داده می‌شود اما آنچه مسلم است آنکه تحولات جدید لبنان، بدون رضایت تهران و ریاض نمی‌توانست موفقیت‌آمیز باشد. در واقع حتی اگر عربستان به اجبار و با یک رویکرد حداقل‌گرایانه با گزینه مورد حمایت حزب‌الله و ایران همسو شده باشد، این تجربه موفق می‌تواند یک کلید راهبردی برای سایر مسائل منطقه به حساب آید.

## چالش‌ها و موانع استمرار وحدت گروه‌ها

انتخاب رئیس جمهور لبنان اگرچه با تفاهم و همگرایی فراکسیون‌ها و جریان‌های مختلف با موفقیت برگزار شد، اما به سختی می‌توان آینده رویدادها را در بستر تفاهم و همسویی اولیه تبیین کرد. انتخاب سعد حریری برای نخست‌وزیری، شاید مهمترین نقطه آغاز شائبه‌ها در مورد بن‌بست زود هنگام تشکیل دولت بود. مخالفت رئیس پارلمان لبنان نیبه بری با انتخاب حریری، گمانه‌زنی‌ها در مورد تعمیق اختلافات گروه‌ها را افزایش داد. با این حال بری با هدف «جلوگیری از متهم کردن طوائف شیعه به شعله‌ور کردن تنش‌های سیاسی»، با نخست‌وزیری حریری مخالفت نکرد. این در حالی است که مواعی از جمله محتوای بیانیه وزارتی که تعیین‌کننده اولویت‌های دولت جدید خواهد بود و نیز چپش کابینه از جمله چالش‌های آینده دولت لبنان خواهد بود. علاوه بر این اختلافات گروه‌ها در مورد





مطالبات عربستان به گونه‌ای که تفاهم‌های موجود شکسته شود و نیز پایداری میشل عون بر سیاست‌های کنونی در مورد حمایت از حضور حزب الله در سوریه نیز هر کدام با شائبه‌ها و تردیدهای قابل توجهی همراه است.

### نتیجه‌گیری

انتخابات ریاست جمهوری لبنان گام مهمی برای ثبات در صحنه سیاسی لبنان بود؛ رویدادی که برای جمهوری اسلامی ایران نیز از اهمیت خاصی برخوردار بود. نیاز به تداوم حضور حزب الله در سوریه بدون نگرانی از فضای سیاسی کشور، حفظ آرامش و نظم در میان در حدود یک میلیون آواره سوری که متمایل به پیوستن به گروه‌های افراطی هستند، حمایت از تقویت بنیه نظامی لبنان و به ویژه حفظ و گسترش ظرفیت‌های نظامی حزب الله با هدف امنیت مرزها و مناطق پیرامونی از جمله اولویت‌های کشورمان در عرصه سیاسی لبنان به صورت عام و در انتخابات ریاست جمهوری این کشور به صورت خاص است. انتخاب میشل عون به عنوان مطلوب‌ترین گزینه حزب الله، بیشترین امکان برای پیشبرد اهداف فوق به شمار می‌آید. علاوه بر این، همسویی سیاسی لبنان در منطقه با ایران می‌تواند ائتلاف کشورهای عربی در مقابل ایران را بیش از پیش ناکارآمد جلوه دهد. تلاش برای تقویت روابط دوجانبه اقتصادی نیز به تحکیم روابط دوستانه تهران و بیروت کمک شایانی خواهد کرد. این موضوع در دیدار دکتر ظریف وزیر امور خارجه کشورمان با جبران باسیل همتای لبنانی خود، مورد توجه قرار گرفت.

در حال حاضر آنچه دارای اهمیت است، تداوم تفاهم کنونی و تشکیل و حفظ یک دولت با ثبات است که نسبت به تعهدات مورد نظر حزب الله که بالطبع مطلوب ایران نیز هست، وفادار بماند. این تفاهم در مراحل اولیه خود با موفقیت پیش رفته است زیرا علاوه بر حزب الله منافع گروه‌ها و جریان‌های اصلی در ثبات دولت و برون‌رفت از بن‌بست سیاسی به دست می‌آید. حزب مستقبل با نظر به دستیابی به منافع بیشتر و در شرایطی که سرخورده از کمک‌های آمریکا و عربستان بود، با حزب الله به تفاهم سیاسی در این مرحله رسید. بدیهی است که حضور آنها در قدرت، منافع مالی آنها را بیش از پیش برآورده و آنها را برای انتخابات پارلمانی پیش رو آماده‌تر خواهد کرد. بنابراین برای تداوم این تفاهم، لازم است که منافع همه گروه‌ها دست کم به صورت نسبی برآورده شود و در مناسبات داخلی آنها نیز بازی با حاصل جمع صفر سیطره نیابد زیرا در این

صورت بن‌بست زود هنگام در حیات سیاسی لبنان باز خواهد گشت.

تأکید جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه مسائل کنونی تنها به دست نخبگان سیاسی منطقه‌ای قابل حل خواهد بود و قدرت‌ها و بازیگران فرامنطقه‌ای باید از تصمیمات راهبردی منطقه‌ای دور نگاه داشته باشند و یا دست کم از سهم حداقلی برخوردار باشند، در مسئله لبنان به روشنی به اثبات رسید. علاوه بر این حل و فصل موفقیت‌آمیز مسئله لبنان به واسطه تنها بازیگران منطقه‌ای، مؤید یکی دیگر از مسائل مهمی بود که دنیای امروز و به ویژه مسائل خاورمیانه بدون توجه به آن با موانع بسیار مواجه خواهد شد. نهادینه شدن بازی با حاصل جمع غیر صفر، که بارها مورد تأکید وزیر امور خارجه ایران نیز قرار گرفته است، از سوی کشورهای هم‌چون عربستان که در یک تلاش نافرجام به دنبال بیرون راندن ایران از رقابت‌های منطقه‌ای و یکه‌تازی در موضوعات مختلف است، می‌تواند در حل و فصل چالش‌ها و گره‌های کنونی منطقه راهگشا باشد. در این میان حل بحران سیاسی لبنان به صورت کنونی، می‌تواند الگویی هر چند ساده اما مؤثر در سایر مسائل منطقه‌ای میان عربستان و ایران تلقی شود. راهکار حل و فصل مسئله لبنان حتی به عنوان ساده‌ترین موضوع می‌تواند در صورت اراده سیاسی طرفین به موضوعات پیچیده نیز تعمیم داده شود. بدیهی است که در صورت چنین شرایطی، اسرائیل بازنده میدان خواهد بود. مواضع این رژیم در مقابل انتخاب رئیس‌جمهور در لبنان، نشان داد که حل بحران‌های منطقه‌ای، در تعارض کامل با اهداف این رژیم قرار دارد.